

گونه‌شناسی آثار خاورشناسان درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

دکتر فروغ پارسا*

چکیده

سیره‌نگاری و شرح حال نویسی از همان قرون اولیه اسلام، به دلیل عشق و علاقه شورانگیز مسلمانان به پیامبر بزرگوار و اهل بیت علیهم السلام بسیار رایج و متداول بوده است. اما راهبرد خلفای اولیه در جلوگیری از تدوین حدیث و نیز فشارهای سیاسی حاکمان اموی و عباسی در جلوگیری از بیان فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام موجب گردیده تا بخش چشم‌گیری از سیره آن بزرگان در ابهام و تیرگی تاریخی باقی بماند.

سیره فاطمه علیها السلام به ویژه به دلایل بعضاً ناگفتنی، بیشتر از دیگر معصومان مخفی و نامعلوم باقی مانده است. با این حال، اهمیت محوری آن بانو در تحولات تاریخی صدر اسلام، خاورشناسان را به تبیین شخصیت آن حضرت علاقه‌مند کرده است. در این میان، برخی از ایشان با گرایش‌های ضد اسلامی و مغرضانه و نیز به دلیل کاستی‌های منابع تاریخی، نتوانسته‌اند تصویر دقیق و کاملی از آن بانو ترسیم نمایند. برخی دیگر نیز که با روی‌کردی مثبت و ستایش‌گرانه شخصیت آن حضرت را تبیین کرده‌اند، تا حدودی سعی نموده‌اند ایشان را با شخصیت حضرت مریم در بین مسیحیان یکی جلوه دهند. به هر روی نورانیت وجود مقدس آن حضرت بیش و کم در برخی آثار خاورشناسان نمودار است.

واژگان کلیدی

فاطمه علیها السلام، تاریخ اسلام، حدیث، خاورشناسان

* عضو هیات علمی پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقدمه

شخصیت فاطمه علیها السلام از جنبه‌های مختلف مورد توجه متفکران مسلمان است. ارتباط ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان و تعظیم و تکریم آن حضرت در برابر فاطمه علیها السلام^۱ و موقعیت آن دختر پیام‌آور وحی، متکلمان شیعی را به گسترش نظریه «عصمت» نسبت به فاطمه علیها السلام سوق داد. در این میان برخی تفاسیر از آیات مباحله^۲ و تطهیر^۳ نیز به تقویت این نظریه کمک کرد. از سوی دیگر، در تحولات سیاسی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در تعیین خلافت،^۴ فاطمه علیها السلام به مثابه محور حرکت‌های سیاسی طرف‌دار ولایت علی علیه السلام و دفاع جانانه از آن حضرت، الهام‌بخش نظریه «ولایت» در تاریخ اندیشه سیاسی شیعه بوده است. سجایای اخلاقی آن بانو در زهد، تقوا،^۵ عبادت،^۶ ساده‌زیستی،^۷ انفاق^۸ و تحمل مشکلات^۹، از جنبه دیگری توجه علمای اخلاق را به خود جلب می‌کند. به علاوه، شخصیت چند وجهی آن سرور زنان عالم،^{۱۰} الگوی زن مسلمان در

۱. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۳۳۲؛ انتشارات علامه، قم، بی تا. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، تصحیح حاج سید هاشم رسولی، ج ۲، ص ۷۹-۸۹ تبریز، بی تا؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲ و ۲۴؛ موسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۳ق. صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۴۰، ج ۵، ص ۲۴۴؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۲، چاپ استانبول.
۲. سوره آل عمران، علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۳، ص ۳۵۱-۳۵۵، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. سوره احزاب، آیه ۳۴، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۶۷-۷۷؛ جلال‌الدین سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۱۹۸-۱۹۹، دارالمرفه، جده، ۱۳۶۵ق. قندوزی، ینابیع الموده، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، دارلاسوه، ۱۴۱۶. ص ۱۲۵؛ شرف‌الدین، کلمه الغراء فی تفضیل الزهراء، ص ۲۱۳.
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمدابوالفضل ابرهیم، دارالاحیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۵ش. ج ۲، ص ۵۶، ج ۶، ص ۴۸-۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد، ص ۶۴-۶۶ و ص ۸۱ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۸۵ش.
۵. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۹۹، ص ۷۷.
۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲، ص ۶۶، ص ۷۶، کشف الغمه، ج ۲، ص ۹۴.
۷. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۵۱-۳۵۳، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۴-۱۳۰؛ ابن سعد، طبقات، تصحیح زاخانو، لیدن، ۱۳۲۲ق. ج ۸، ص ۱۲.
۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵۶.
۹. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۳، ج ۶، ص ۴۳۷؛ صحیح مسلم، ج ۸، ص ۸۴، ج ۵، ص ۱۷۹.
۱۰. کشف الغمه، ج ۲، ص ۷۶، ۹۲، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴۴۰.

مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. به همین دلیل، در طول پانزده قرن، صدها کتاب و مقاله درباره آن بانو نوشته شده است. در این میان، دانش‌مندان غربی بیشتر به نقش فاطمه علیها السلام در تاریخ اسلام، علاقه‌مند بوده‌اند و هر یک با روی‌کردها و جانب‌داری‌های خاص خود، تلاش کرده‌اند این نقش را پررنگ یا کم‌رنگ جلوه دهند. فاطمه علیها السلام در نگاه خاورشناسان، پیش از هر چیز، دختر پیامبر اسلام است و به همان میزان که سیره پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل روی‌کردهای جدلی و ضد اسلامی نویسندگان غربی تحریف شده، اخبار مربوط به فاطمه علیها السلام نیز بازگونه تحلیل شده است. در نگاه اجمالی به آثار غربی درباره سیره پیامبر صلی الله علیه و آله روی‌کرد قرون وسطایی به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله دیده می‌شود که در آثار روحانیان مسیحیت شرقی و غربی وجود داشت^۱ و از اواسط قرن نوزدهم، به دلیل پیدایی روش‌های جدید در پژوهش‌های تاریخی اندکی تعدیل می‌یابد. آثار افرادی همچون گوستاو ویل^۲ (۱۸۰۸-۱۸۸۹)، الویس اسپرنگر^۳ (۱۸۱۲-۱۸۷۸) و ویلیام میور^۴ (۱۸۱۹-۱۹۰۵) که با روی‌کرد تاریخ محورانه نوشته شده‌اند، و اگرچه به شدت مطالعات قبلی ضد اسلامی و توهین‌آمیز نیست، به هر حال شخصیت ماورایی حضرت را درست ترسیم نکرده‌اند. پس از آن در اواخر قرن نوزدهم که مقارن با پیدایی اندیشه‌های اثبات‌گرایانه نیز بود، شک و تردیدهای مبالغه‌آمیز گلدزیهر^۵ مجاری در مورد اعتبار احادیث سیره باعث شد تا لئون کایتانی (۱۸۶۹-۱۹۳۵)^۶ و هنری لامنس^۷ (۱۸۶۲-۱۹۳۷) در نگارش کتاب‌های مربوط به تاریخ اسلام خود، به یک‌باره اصالت و وثاقت احادیث سیره را متنفی و مردود اعلام دارند و سعی کنند تاریخ اسلام را با تحلیل‌های جانب‌دارانه بنگارند. تردید به اعتبار منابع اسلامی در دهه‌های بعد هم‌چنان رو به تزايد بود،

۱. نک: عبدالرحمن بدوی، *دفاع از قرآن*، در برابر آرای خاورشناسان، برگردان دکتر سیدحسین سیدی، ص ۱۴، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲. و نیز: Bobzin, 4/247-248

2. G. Weil, *Mahammed, der prophet*, stuttgart, 1843.

3. A. Sprenger, *life of Mohammed*.

4. W. Muir, *The life of Mahomet*, London, 1861.

5. Ignaz Goldziher, *Muhammedanische studien*, 1890.

6. L. Caetani, *Annalidell' Islam*, Milan, 1905.

7. H. Lammens, *Quran et tradition* (comment fut composee lavie de Mahomet?).

اگرچه آثار مونتگمری وات^۱ (۱۹۰۹-۲۰۰۶)، رژی بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳) و رودی پارت^۲ (۱۹۰۱-۱۹۸۳) نسبتاً خوش‌بینانه‌تر نوشته شدند. در دهه‌های پایانی قرن بیستم، به دلیل تحولاتی که در فلسفه علم به وقوع پیوست و نیز پیدایی جریان‌های پست‌مدرنیسم و پست‌متافیزیک به نظر می‌رسد در بنیادهای نظری خاورپژوهان، تحولاتی صورت گرفته است. تبیین چگونگی این تغییرات البته در حوصله این مقاله نیست ولی به هر روی، آثار واقع‌بینانه‌تری درباره تاریخ اسلام نوشته شد. در شمار آنها به آثار لودویگ امان^۳ و ویلفرد مادلونگ^۴ می‌توان اشاره کرد.

خاورشناسان و فاطمه علیها السلام

آثار غربی درباره فاطمه علیها السلام نیز با همین مشکلات مواجه است. علاوه بر آن که به دلیل کمبود اخبار و اطلاعات درباره ایشان، این آثار واقعاً اندک هستند، شرق‌شناسان غیرمسلمان نیز به انگیزه‌های مختلف درباره آن بانو کتاب‌هایی نوشته‌اند که آنها را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد:

الف) آثار مغرضانه و غیرعلمی درباره فاطمه علیها السلام

در دسته‌بندی آثار خاورپژوهان درباره تاریخ اسلام، به مجموعه آثاری اشاره گردید که تقریباً در اوایل قرن بیستم منتشر شده‌اند. این مجموعه آثار را عمدتاً راهبان و مبلغان مسیحی به اندیشه تحریف تاریخ اسلام و از همه مهم‌تر خدشه وارد کردن بر مبانی و اصول اسلامی نگاشته‌اند. یکی از خاورپژوهانی که در این دسته قرار دارد و کتابی نیز درباره شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام نگاشته، کشیشی به نام هنری لامنس (۱۸۶۲-۱۹۳۷) است. این روحانی بلژیکی که آثار متعددی در سیره نبوی و تاریخ اسلام دارد، منابع اسلامی را در مجموع روایت‌های تاریخی معتبر نمی‌داند. وی با روی‌کردی شدیداً مغرضانه و اسلام‌ستیزانه این کتب را

1. W. Montgomery Watt, *Muhammad at Mecca*, oxford, 1953 id, *Muhammad at Medina*, oxford, 1956.

2. R. Part, *Muhammad undder Koran*, Stuttgart, 1957.

3. Ludwig Ammann, *Die Geburt des Islams Historische Innovation durch Offenbarung*, Gottingen, 2001.

۴. جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه احمد نمایی و دیگران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد،

نگاشته، چنان‌که شرق‌شناسان دوره‌های بعد به هیچ‌وجه نظریه‌های وی را قبول ندارند و آثار وی را نقد کرده‌اند. به باور لامنس، کتاب‌های حدیث جملگی مجعولند و با هدف ستایش از زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله ساخته و پرداخته شده‌اند. البته وی برای ادعای خود دلیلی به جز گزاره‌گویی نمی‌آورد. جالب است که وی علاوه بر کتاب‌هایی که در سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام دارد و به کلی همه فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و ارزش‌های جامعه نبوی را انکار نموده، کتاب‌هایی در مورد حکومت امویان نوشته و بنی‌امیه را ستایش کرده است.^۱ وی کتابی با عنوان *فاطمه و دختران محمد*^۲ دارد که در سال ۱۹۱۲ در رم منتشر شد. وی در این کتاب به گونه‌ای جانب‌دارانه تلاش کرده چهره‌ای کاملاً تیره و تاریک از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ارائه دهد. چنان‌که بنابه تعریف وی، فاطمه بانویی است نعوذاً بالله که هیچ‌گونه جذابیت و زیبایی ظاهری نداشت، هوش پایینی داشت. شخصیت بی‌اهمیت و بی‌ارزشی بوده و مهم‌تر آن‌که پدرش به‌ندرت او را احترام می‌کرده است؛ همسرش با وی بدرفتاری و خشونت می‌کرده، همواره بیمار و گریان بوده و احتمالاً از بیماری سل درگذشته است.^۳ این توصیف‌های بی‌ماخذ و منبع و آشکارا خصمانه وی را بکر شرق‌شناس آلمانی (۱۸۷۶-۱۹۳۳) و چند تن دیگر نقد کردند.^۴

لامنس در کتاب خود منابعی را در پاورقی با ذکر صفحات آورده که توجه خوانندگان را به اصالت گفتار خود جلب کند، ولی متأسفانه وقتی به منابع مراجعه می‌شود غالباً چنین مطالبی در کتاب نبوده و یا از متن سوءبرداشت شده است.^۵ تاریخ تولد، ازدواج و وفات فاطمه علیها السلام از مباحثی است که لامنس با طول و تفصیل بررسی کرده و اختلاف روایات شیعه و اهل سنت را مستمسک قرار داده و نتایج نامعقولی درباره شخصیت آن بانو گرفته است. تولد فاطمه علیها السلام طبق گزارش‌های اهل سنت مطابق با سال تعمیر و بازسازی کعبه یعنی پنج سال پیش

۱. بدوی، *دائرةالمعارف مستشرقان*، صالح طباطبایی، ص ۵۶۳، انتشارات روزنه.

۲. *Fatima et les filles de Mahomet*.

۳. Lammens, *Fatima et les filles de Mahomet*, passim.

۴. C.H. Becker, "Grundsätzliches zur Leben-Muhammed forschung" in, *Islam studien*, I, 520-527.

۵. همان، ص ۵۶۳-۵۶۴.

از بعثت است.^۱ بنابر این روایات، فاطمه علیها السلام در هنگام ازدواج که سال اول هجرت بوده، هجده سال داشته که قاعدتاً سن بالای برای ازدواج یک عروس عرب است. لامنس از این مسئله خواستگار نداشتن بانو فاطمه علیها السلام را نتیجه می‌گیرد.

ولادت زهرا علیها السلام در روایت‌های شیعه پنج سال پس از بعثت است.^۲ لامنس درباره این دسته روایات، این شبهه را وارد می‌کند که در این صورت خدیجه در سن بیش از شصت سالگی باردار شده و این را بسیار بعید می‌داند. در تاریخ یعقوبی آمده است فاطمه علیها السلام هنگام وفات ۲۳ سال داشته، یعنی تولد وی در سال بعثت بوده است. شیخ طوسی نیز سن فاطمه را هنگام ازدواج سیزده سال گفته که موافق روایت یعقوبی است و تولد وی را سال اول بعثت می‌داند.^۳ قرینه شیعیان بر درستی این تاریخ، معراج رسول خداست؛ چنان‌که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در شب معراج سببی بهشتی به من دادند که نطفه دخترم زهرا با آن تکوین یافت.^۴

اگرچه شصت‌سالگی برای بارداری زن نامتعارف است، امر ناممکنی نیست و در این زمان هم مواردی دیده شده است. هم‌چنین گزارش‌های بسیاری در مجامع حدیثی اهل سنت و شیعه وجود دارد که افراد مختلفی از جمله ابوبکر و عمر به خواستگاری فاطمه زهرا علیها السلام می‌آمدند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: «در این باره منتظر حکم پروردگار هستم.» بنابراین، تأخیر در ازدواج فاطمه علیها السلام توجیه مناسبی دارد. با توجه به وجود این دسته روایات در منابع متقدم، معلوم نیست

۱. ابن سعد، ج ۸، ص ۱۱؛ تاریخ طبری، ج ۱۳، ص ۲۴۳۴؛ بلاذری، انساب الاشراف، محمدحمیدالله، ص ۴۰۲؛ دارالمعارف، ۱۹۵۹. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۴۱، دارصادر، بیروت ۱۳۸۵ق. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، سیداحمدصقر، دارالمعرفه، بیروت، بی‌تا. ص ۴۸، ابن عبدالبر، الاستیعاب، ص ۷۵۰، حیدرآباد، ۱۳۳۶ق.

۲. محمدبن یعقوب کلینی کافی، ج ۱، ص ۴۵۸؛ دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۴ق. مناقب ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۳۵۷، کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۴۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷.

۳. سیدجعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۳۰، به نقل از طوسی، مصباح المجتهد، ص ۵۶۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ش.

۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵.

لامنس، به چه دلیل و با چه سندی این نتیجه را گرفته است. در عین حال برخی علمای اسلامی بر این باورند تاریخ پنج سال پیش از بعثت برای ولادت آن بانو مناسب‌تر است: اولاً بدین لحاظ که این روایت‌ها در منابع قدیمی‌تر گزارش شده‌اند. دوم، از آن رو که روایاتی از دوران کودکی فاطمه علیها السلام وجود دارد که حضرتش وقتی مشرکان قریش پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار می‌دادند، از پیامبر صلی الله علیه و آله محافظت می‌فرمود. فرض این که کودکی چهار- پنج ساله این حمایت را انجام داده باشد، قدری نامعقول است. دیگر آن که بر اساس برخی روایات شیعه، فاطمه در سال بازسازی کعبه یعنی پنج سال پس از بعثت متولد شدند. حال آن که به لحاظ تاریخی مسلم است کعبه، پنج سال پیش از بعثت، بازسازی شده و احتمالاً تحریفی در این گونه روایات صورت گرفته است.^۱ به هر روی شبهه‌های لامنس، بی‌مورد و آشکارا خصمانه و مغرضانه است و به همین لحاظ اصلاً وزن و اعتباری ندارد. در موارد دیگر نیز روش کار وی این گونه بوده که بخش‌هایی از چند حکایت را کنار هم گذاشته و استنباط‌های نادرست و جهت‌داری کرده است.

ب) آثار ستایش‌گرانه از شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام

این آثار را عمدتاً شرق‌شناسان علاقه‌مند به عرفان و تصوف اسلامی، نوشته‌اند. لویی ماسینیون^۲ (۱۸۸۳-۱۹۶۲) شرق‌شناس فرانسوی از جمله این افراد است. ماسینیون از نظر ژرف‌نگری و توانایی در استنباط مایه‌های پنهانی که در فراسوی نمای ظاهری برخی گرایش‌ها و مکاتب مخفی گردیده، بر دیگر خاورشناسان مزیت آشکاری دارد. وی علاقه ویژه‌ای به تصوف داشت و آثار متعددی درباره حلاج و تصوف و خاندان‌های شیعی پدید آورده از جمله مقاله‌ای درباره شخصیت فاطمه از دیدگاه شیعه در سال ۱۹۳۸ و نیز کتابی با عنوان *مباهله در مدینه و عظمت فاطمه علیها السلام* در سال ۱۹۵۵ منتشر کرد. بنابر تعریف ماسینیون از فاطمه علیها السلام، وی بانویی است که ویژگی‌هایی دقیقاً مطابق پدر

۱. زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، ص ۳۱.

2. Louis Massignon.

بزرگ‌وارش دارد. فاطمه علیها السلام، میزبان خیمه پذیرایی از تازه واردان به اسلام هستند. او مبادی و اصل کل اسلام و اسلام کلی را بیان می‌کند. با این همه، حقیقت روح فاطمه علیها السلام در زمان حیاتش ناشناخته ماند.^۱ وی فاطمه علیها السلام را به مثابه وجودی فوق‌العاده متعالی و ورای طبیعت مادی ترسیم می‌کند و تقدس مقام وی را با مقامی که مریم علیها السلام در بین مسیحیان دارد، مقایسه می‌کند. به نظر وی فاطمه علیها السلام اسراری در امتداد اسرار کلی هستی دارد. به گفته ماسینیون، برای درک و فهم کارهایی که فاطمه علیها السلام بر اساس شهود قلبی و علم ماورایی انجام می‌داده، باید گزارش‌های پراکنده و مبهم تاریخی با نظم و ترتیب در کنار هم قرار داده شود تا بتوان تصویری پذیرفتنی از آن بانو دریافت نمود.^۲ ماسینیون در تکیه‌نگاری «مباهله در مدینه» نیز عظمت مقام فاطمه علیها السلام را با توجه به آیه مباهله تبیین می‌کند و شبهات لامنس را پاسخ می‌دهد. از بررسی آثار ماسینیون درباره فاطمه علیها السلام می‌توان ملاحظه نمود، با این که وی در ترسیم ارزش و اهمیت مقام فاطمه علیها السلام تا حدودی موفق بوده و برخی از دانش‌مندان غربی نیز روش‌شناسی وی را می‌پسندند^۳، به نظر می‌رسد اطلاعات وی از آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی به اندازه کافی عمیق و دقیق نیست. ماسینیون عشق و احترام مسلمانان به فاطمه علیها السلام را با پرستش اشتباه می‌گیرد و در واقع آموزه‌های مسیحیت را با اعتقادات اسلامی یکسان می‌نگارد. ماسینیون تتبع زیادی در عرفان اسلامی داشته ولی در مجموع متوجه پیچیدگی‌های آن نشده است؛ چنان‌که در موارد بسیاری دچار تاویل‌گرایی می‌شود و از اصطلاحات مسیحیان مانند کلمه **غیرمخلوق و مخلوق آفرین** استفاده می‌کند.^۴

هانری کربن فرانسوی^۵ (۱۹۰۳-۱۹۷۸) شاگرد ماسینیون خاورشناس دیگری به شمار می‌آید که با روی‌کردی مشابه، توصیفی از شخصیت فاطمه علیها السلام به دست داده است. وی نیز با علاقه‌مندی فوق‌العاده به فلسفه و عرفان اسلامی و با

1. Massignon, La notion, 118 .

۲. همان، ۱۱۵-۱۲۵.

3. V. Vallgery, "Fatima," *El*, Vol II, p841.

۴. مصطفی حسینی طباطبایی، *نقد آثار خاورشناسان*، ص، انتشارات چاپخس، تهران ۱۳۷۵ ش.

5. Henry Corbin.

تصحیح و تعلیق و ترجمه آثار مخطوط فلسفی و عرفانی به‌ویژه آثار سهروردی، خدمات ارزنده‌ای به فرهنگ اسلامی دارد.

شاید بتوان گفت کربن، نخستین شخصیتی است که در جهت شناساندن مذهب شیعه در غرب تلاش‌های وافری انجام داد و در آثار مختلف خود این مهم را پی‌گیری نمود. کربن در کتاب *ارض ملکوت و کالبد انسان در روز رستاخیز*^۱ مطالبی درباره فاطمه علیها السلام دارد. وی گوش‌زد می‌کند که فلسفه اسلام ایرانی، چه شیعی و چه غیر آن، تا به حال در غرب کمتر بررسی شده است. کربن که بین اندیشه‌های عرفانی ایران باستان و آموزه‌های عرفانی شیعه پیوند می‌زند، می‌گوید: مذهب شیعه که معرف پیروان ائمه از خاندان و اهل بیت پیغمبر است و از پنج قرن پیش یعنی از دوران صفویان مذهب رسمی ایرانیان شده، برای مردم غرب تقریباً ناشناخته است و اغلب تصور می‌کنند مبادی آن به مسائل وراثت سیاسی محدود می‌شود. حال آن‌که با این عمل، مصنفات معتبر و عظیم آن را که حاصل گفت‌وگوهای نخستین اصحاب با ائمه علیهم السلام تا قرن نهم میلادی بوده، از نظر دور می‌دارند. این گفت‌وگوها گواهی می‌دهد ظهور و توسعه مذهب شیعه ذاتاً، شکوفایی اسلام یا بهتر بگوییم همان حکمت عالیه اسلام است.^۲ به گفته وی، اگر معرفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عنصر ذاتی مذهب اسلام محسوب می‌شود، در حکمت شیعه معرفت امام نیز بدان افزوده می‌شود. در کنار رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که پیغام وحی را با کلام به مردم می‌رساند، وظیفه ارشاد الهامی یعنی وظیفه‌ای که مؤمنان را به مفاهیم نهانی وحی آشنا می‌سازد نیز وجود دارد و این همان وظیفه امام است. معصومان چهارده نفری هستند که وظیفه ارشاد معنوی و ولایت را پس از رسالت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم عهده‌دار شده‌اند. این هیأت چهارده معصوم، نه تنها از نظر ظهور عارضی در این دنیا، بلکه از جهت واقعیت وجودهای ازلی و ابدی، پیش از این عالم نیز مورد تأمل واقع شده‌اند. ذوات آنان، اساساً در زمره تجلیات الهی است. آنان اسماء و صفات الهی‌اند. به

1. Terre Celeste et corps de resurrection de l' Iran Shiite.

۲. *ارض ملکوت و کالبد انسان در روز رستاخیز*، ص ۱۳۳.

باور کربن، در حکمت الهی شیعه، امامت نقش مسیح‌شناسی را در حکمت الهی مسیحی دارد.

کربن می‌گوید:

ما جهانی سه جانبه داریم: جهان انسان خاکی که موضوع ادراک حواس است؛ جهان نفس یا ملکوت که به طور اخصّ عالم ادراک از طریق تصور و خیال است، و جهان عقول محض کروییان یا عالم جبروت که موضوع معرفت عقلانی است.

کربن می‌گوید:

در وجود حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان عضو هیأت برتر از بشر، چیزی وجود دارد نظیر ارض برتر از ملک. فاطمه علیها السلام متعلق به ارض ملکوت است.^۱

به باور کربن غربی‌ها به مادی بودن قضایای تاریخی عادت کرده‌اند، به همین دلیل در درک این نکته، با اشکال مواجه می‌شوند که تمام ایمان و امید مؤمن و نیز مسئولیت وی نه از یک قضیه تاریخی بلکه از یک قضیه ماورای تاریخی سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی از پیمان الستی که بین خداوند و وجود آدم ملکوتی منعقد شده است.^۲

در تفسیر کربن از فلسفه تاریخ شیعه، ترتیب تقدم وجودی معصومان علیهم السلام مطابق ترتیب پاسخ‌هایشان به همان پرسش ازلی است. نیروی ایجادگر و لازمه وجود هر کس، او را قادر می‌گرداند تا جوابی را که به بسته شدن پیمان الهی در عهد الست انجامید، بر زبان آرد. ترتیب تسلسل وجودی این جواب‌ها سرنوشت بنیاد هیأت لاهوت را معین می‌کند و در نتیجه سلسله مراتب چهارده وجود روحانی متعالی در روی زمین در طی دایره نبوت محمدیه، در سلسله متوالی اشخاصی که مظاهر آنند یعنی معصومان تجلی می‌کند. بدین ترتیب، وجود فاطمه علیها السلام هم هیأت لاهوت را بنیاد می‌دهد، هم آن را کمال می‌بخشد. بدون وجود شخص فاطمه علیها السلام نه تجلی امامت وجود خواهد داشت نه ولایت امام.

۱. همان، ص ۱۳۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۱.

این چهارده معصوم، بلورهای ناب شعله‌فشانند که چشم نمی‌تواند خیره بر آن بنگرد. آنها فقط محبوبان و حبیان و اولیاء الله نیستند، بلکه عین جوهر عشق الستی هستند؛ عینیتی که همه عارفان بدان مشتاقند. این جوهر، به عقیده اهل معنای شیعه، برای آن کس که به اسرار امامت محرم نباشد، دست‌نیافتنی است. به‌باور وی از ازدواج فاطمه علیها السلام و علی بن ابی طالب علیهما السلام زوج نمونه بی‌نظیری پدید آمد که تجلی مقارنه ازلی است که در عالم ابدیت هیأت لاهوتی به ظهور پیوست. امام اول و فاطمه در برابر یکدیگر، نسبت دواقنوم اول یا عقل و نفس را دارند و به اصطلاح مانوس‌تر، زوج sophia, Logos هستند. این زوج، تجلی و نمونه زوج ازلی و ابدی عقل-نفس در عالم خاک‌اند. در تعبیر کربن، فاطمه سوفیاست، یعنی عقل و قدرت الهی که همه چیز را در می‌یابد، نور الهی است که همه عوالم را نور باران می‌کند و به همین سبب شخص سرمدی او که راز جهان نفس است، بیان و ظهور آن هم هست که بدون آن، مصدر خالق جهان ناشناخته و ناشناختنی و برای همیشه در پرده غیب نهان می‌ماند.^۱

چنان‌که ملاحظه می‌شود، کربن بدلیل تمایلات و علایق عرفانی خود از آموزه‌های برخی عرفای شیعه و نیز حکمت اسماعیلیه، تأثیرات فراوانی گرفته است. هم‌چنین وی در کتاب خود تلاش نموده تا اندیشه‌های عرفانی زردشتی را با عقاید شیعی مرتبط بداند. دیگر آثار کربن به‌ویژه *تاریخ فلسفه اسلامی* او نیز نشان می‌دهد که روح تاویل‌گرایی به شدت بر آن غلبه دارد. هانری کربن در شمار خاورشناسانی است که در معرفی تشیع به جهان غرب تلاش فراوانی نمود. ارتباط نزدیک وی با اندیشه ورزان و فیلسوفان اسلامی همچون علامه طباطبایی و سیدحسین نصر، احتمالاً در عمق شناخت وی از فلسفه تشیع تأثیر زیادی داشته است. در عین حال برخی به وی انتقاد کرده و معتقدند به دلیل بهره‌یابی از درس‌های ماسینیون و ارتباط با هایدگرو یونگ و الیاده، ذهن کربن از دوران جوانی به تاویل‌گرایی تمایل یافته و به همین دلیل به آثار اسماعیلیه علاقه‌مند شده است.^۲

۱. همان، ص ۱۳۵-۱۵۰.

۲. نقد آثار و خاورشناسان، ص ۹۱.

در مجموع به نظر می‌رسد اگرچه اندیشه‌های کربن درباره شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام در برخی مواضع، نقد شدنی است، مسائلی که وی مطرح کرده، در منابع اصیل شیعی نیز وجود دارد. از سوی دیگر، برخی انتقادهایی که به وی وارد شده، به دلیل ترجمه نادرست مطالب وی است. برای مثال، به این سخن کربن که گفته «اُمّه زوجات پیامبرند. بالاتر از این از آن‌جا که ولایت چیزی به جز ولادت معنوی مؤمنان نیست، وقتی سخن از مادر مؤمنان (أُمّ المؤمنین) به معنای حقیقی آن می‌رود، باید از معنای حقیقی و نهانی این کلمه مادر، اُمّه را افاده کرد.»^۱ انتقاد شده که چرا امامان را همسران رسول خدا دانسته است.^۲ در حالی که کربن، امامت را هم‌سنگ و هم‌تراز نبوت می‌داند و منظور وی از مادر، ریشه و اصل است.

ج) آثار بی‌طرفانه و میانه‌رو درباره شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام

در میان مطالبی که درباره زندگی فاطمه علیها السلام در منابع غربی بیان شده، به نظر می‌رسد مدخل «فاطمه»^۳ در *دایرةالمعارف اسلامی* لیدن روی‌کرد نسبتاً بی‌طرفانه‌ای دارد. نویسنده این مدخل، خانم وچیا والیری^۴ (۱۸۹۳-۱۹۸۸) دانش‌مند ایتالیایی است. در این مدخل نسبتاً مفصل، همه مطالب راجع به آن حضرت و نیز دیدگاه‌های مختلفی که درباره آن بانو حتی در بین غربیان مطرح شده، وجود دارد. والیری می‌گوید:

فاطمه، دختر محمد و خدیجه، همسر علی بن ابی طالب و مادر حسن و حسین و یگانه دختر پیامبر است که نامور شد و از سوی همه مسلمانان مورد احترام تقدیس قرار گرفت.^۵

وی خاطر نشان می‌سازد که در پی تحقیق و مطالعه‌ای بی‌طرفانه برای به دست آوردن واقعیت‌هاست، ولی ظاهراً منابع تاریخی و مجموعه‌های حدیثی علاقه

۱. *ارض ملکوت*، ترجمه دهشیری، ص ۱۲۰، چاپ اول.

۲. *نقد آثار خاورشناسان*، ص ۹۸.

3. Fatima.

4. Veccia Vallgeri.

۵. والدیری، فاطمه، ص ۸۴۱.

زیادی به ثبت وقایع زندگی فاطمه علیها السلام نداشته‌اند. برخی مطالب گاهی عمداً در ابهام و پیچیدگی قرار می‌گیرد. منابع قرن دوم و سوم و نیمه اول قرن چهارم به‌ویژه *انساب‌الاشراف بلاذری*، *طبقات ابن سعد* و *سیره ابن هشام*، به‌ندرت فرصت می‌یابند خود را درگیر فاطمه علیها السلام بنمایند. به همین دلیل، زندگی آن بانو در پس پرده ابهام مانده است. در منابع بعدی نظیر *الاستیعاب* (ابن عبدالبر) و *اسدالغابه* (ابن اثیر) و *الاصابه* (ابن حجر) از آن حضرت عمداً غفلت شده است.^۱ مطالب این مدخل در دو بخش طبقه‌بندی می‌شود:

بخش اول، شخصیت تاریخی فاطمه؛

بخش دوم، شخصیت افسانه‌ای (فرا تاریخی) فاطمه.

عناوین ذیل در بخش نخست آمده است:

تولد و کودکی فاطمه علیها السلام، مهاجرت ایشان از مکه به مدینه، ازدواج فاطمه علیها السلام، فقر خانواده آن حضرت، خانه فاطمه علیها السلام، ازدواج، پسران فاطمه و علی، نزاع و درگیری فاطمه و علی و میانجی‌گری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، درگیری با وقایع تاریخی، فاطمه یکی از پنج نفر اصحاب کساء، فاطمه در بیماری پیامبر، فاطمه پس از رحلت پیامبر، ادعای فاطمه درباره دارایی پیامبر، بیماری و مرگ فاطمه، سیمای ظاهری و اخلاق و روحیات فاطمه علیها السلام.

ذیل این عناوین، تقریباً همه احادیثی که در منابع مختلف (*تاریخ یعقوبی*، *صحیح بخاری*، *طبقات ابن سعد*، *انساب بلاذری*) درباره حضرت زهرا وجود دارد، گزارش شده است. نویسنده سعی می‌کند در موارد اختلاف، روایت‌های هر دو گروه شیعه و سنی را بیاورد؛ از جمله درباره مصداق تطهیر اهل بیت پیامبر که در سوره احزاب آمده، بحث می‌کند و حدیث کساء و پنج نفری را که پیوسته با فاطمه علیها السلام هستند، بیان می‌کند. در مورد بیعت گرفتن از حضرت علی علیه السلام نیز نخست روایت یعقوبی از واقعه را بیان می‌کند که فاطمه علیها السلام با عکس‌العمل تند خود نگذاشت به آن حضرت تعرض شود و نیز بیان واقعه از قول بلاذری و نیز به نقل از کتاب *السیاسة و الامامة*، نیت عمر برای آتش زدن

۱. همان، ص ۸۴۲.

خانه فاطمه علیها السلام و جزئیات حادثه را بیان می‌کند و با تحلیل روایت چنین نتیجه می‌گیرد: هر چند ممکن است شیعیان به مبالغه مطالبی افزوده باشند، به هر حال عمر چنین رفتار خشونت‌آمیزی را با دختر پیامبر صلی الله علیه و آله داشته است. همین‌طور در مورد مدفن فاطمه علیها السلام ضمن نقل روایت‌های مختلف تشخیص واقعیت را دور از امکان می‌داند.

در این بخش عنوان درگیری فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام جلب توجه می‌کند. نویسنده ظاهراً به استناد یکی دو روایت مندرج در منابع اهل سنت، مشعر بر این که علی به خواستگاری دختر ابوجهل رفته، نتیجه می‌گیرد که فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام بر سر این مسئله با هم اختلاف داشتند تا بالاخره پیامبر صلی الله علیه و آله میانجی‌گری نمود و به علی علیه السلام عتاب کرد و فرمود: «فاطمه پاره تن من است و هرکس او را بیازاد مرا آزرده است». نویسنده به این معنا التفات نداشته که این روایات بی‌اساس در منابع متأخر و احتمالاً برای توجیه رفتار خلیفه اول و دوم جعل شده‌اند.

نویسنده ذیل عنوان ویژگی‌ها ظاهری و اخلاقی فاطمه علیها السلام، تأکید می‌کند که به رغم گزارش‌های متناقض در این زمینه، قطعاً فاطمه علیها السلام بانویی سخت‌کوش، صبور و بردبار بوده و از انجام دادن کارهای خانه رضایت داشته، است؛ از کمک کردن به دیگران لذت می‌برده؛ همسران پیامبر صلی الله علیه و آله او را محرم اسرار خود می‌دانسته‌اند و پیامبر صلی الله علیه و آله را عاشقانه دوست داشته و در برابر ایشان تسلیم محض بوده است. هم‌چنین فاطمه علیها السلام قطعاً زنی شجاع و قوی‌دل بود که توانست از همسرش در برابر ابوبکر دفاع کند و بی‌اعتباری خلافت ابوبکر را به همگان بنمایاند. نویسنده شباهت زیادی بین مریم مقدس در میان مسیحیان و فاطمه در بین مسلمانان می‌بیند. از جمله به شباهت در لقب «مادر خدا» برای مریم و «أم ابیها» برای فاطمه اشاره می‌کند، هر چند خاطر نشان می‌سازد که این لقب فقط در *أسد الغابه* ابن‌اثیر (قرن ۶ و ۷) برای آن حضرت ذکر شده است.

در بخش شخصیت افسانه‌ای (فرا تاریخی) فاطمه، مطالب ذیل این عناوین

وجود دارد:

بارداری و وضع حمل خدیجه، خواستگاری از فاطمه، ازدواج فاطمه، جهیزیه، مائده‌های بهشتی، امتیازات فیزیکی، او یک حوریه بهشتی بود، معجزات فاطمه، فاطمه در بهشت، سیب بهشتی، نور و فاطمه، نام‌های فاطمه، اشاره‌های قرآنی به فاطمه، فاطمه در تعزیه‌ها.

نویسنده در این بخش از منابع متقدم شیعی، مانند *دلایل الامامه* اثر محمدبن جریر طبری آملی^۱ متعلق به قرن چهارم و کتاب حسین‌بن‌عبدالوهاب متعلق به قرن پنجم و *مناقب* ابن‌شهر آشوب متعلق به قرن ششم استفاده می‌کند. بنابر گزارش‌های این منابع، خدیجه با خوردن سببی بهشتی فاطمه را باردار شد و برای کمک به زایمان وی چهار بانو یعنی آسیه، سارا، مریم و صفورا دختر شعیب، از بهشت فرود آمدند. ده حوریه بهشتی با کاسه‌هایی از آب کوثر، طفل نوزاد را شست‌شو دادند و در پارچه‌ای خوش‌بو پیچیدند. فاطمه در یک ماه به اندازه یک سال رشد می‌کرد. در لحظه تولد آن بانو، نوری مشرق و مغرب آسمان را روشن ساخت به همین مناسبت وی را زهرا گفتند. بلافاصله پس از تولد وی شهادتین را بر زبان جاری کرد و به امامت علی علیه السلام اقرار نمود و قرآن را تلاوت فرمود و حوادث آینده را پیش‌بینی کرد. هم‌چنین آمده است که عبدالرحمن‌بن‌عوف و عثمان خواستگار فاطمه علیها السلام بودند و یکصد شتر حامل لباس‌های فاخر و ده‌هزار دینار برای مهریه پیشنهاد کردند، ولی جبرئیل نازل شد و گفت:

خداوند علی را همسر فاطمه علیها السلام قرار داده و فرشتگان را مأمور آذین‌بندی چهار سوی بهشت ساخته است. مهریه او نصف زمین (یا یک‌پنجم یا یک‌چهارم آن) و بهشت و جهنم است، ولی بر روی خاک پانصد درهم یعنی همان مهرالسنه است.

هم‌زمان با ازدواج فاطمه در جهان خاکی، در آسمان هم جبرئیل و دیگر فرشتگان با تکبیر در این مراسم شرکت می‌کنند و هفتاد هزار فرشته به زمین می‌آیند و هدایایی از بهشت برای عروس و داماد می‌آورند. فرشتگان در مواقع

۱. درباره این کتاب: نک: نعمت‌الله صفری فروشانی «محمدبن جریر طبری آملی و *دلایل الامامه*»، مجله علوم حدیث، ش ۳۷-۳۸.

مختلف برای فاطمه علیها السلام مانده‌هایی از بهشت می‌آورند، درست شبیه مریم مقدس که بنابر نقل قرآن، میوه‌هایی از بهشت برایش آورده می‌شد. فاطمه از آن رو که پاک زاده شده، همواره پاک و مقدس است و مانند زنان دیگر خون حیض نمی‌بیند و مدت بارداری او نیز نه ساعت بیشتر نیست. فاطمه علیها السلام، زهرا نامیده شده؛ زیرا تمامی افق، نور خود را از او گرفته است.

نویسنده برای تکمیل بخش شخصیت افسانه‌ای (فراتاریخی) فاطمه، به سراغ منابع فرقه اسماعیلیه می‌رود. وی می‌گوید:

بررسی شخصیت افسانه‌ای فاطمه در منابع اسماعیلیان، از منابع شیعیان سخت‌تر است؛ زیرا آنها باطنی‌گرا بوده و به فرقه‌های مختلف تقسیم می‌شوند. هم‌چنین عقاید آنها در یک مجموعه خاصی جمع‌آوری نشده است. برخی اطلاعات درباره آنها از کار ماسینیون و نوشته‌های ایوانف و کربن قابل دریافت است. در آموزه‌های امامیه به هر حال، ارتباطی بین شخصیت افسانه‌ای فاطمه و شخصیت تاریخی فاطمه وجود دارد. در حالی که در نظام جهان‌شناسی اسماعیلیه فاطمه علیها السلام عنصر دوم از عناصر عرفانی یا شبه‌عرفانی است و شخصیت او به گونه‌ای در ابهام قرار گرفته که هیچ‌گونه ارتباطی با واقعیت‌های تاریخی فاطمه علیها السلام ندارد. آموزه‌هایی در بین اسماعیلیه و فرقه‌های منحرف دیگر وجود دارد که در عقاید امامیه اثری از آنها دیده نمی‌شود؛ مانند اعتقاد به همانندی ذاتی فاطمه با مسجدالاقصی، عصای موسی و غار اصحاب کهف. در این اعتقادات شباهت‌های فراوانی، بین فاطمه علیها السلام با مریم مقدس وجود دارد.^۱

چنان‌که ملاحظه می‌شود، نویسنده به این ایده تمایل دارد که شخصیت فاطمه علیها السلام در این آموزه‌ها را اقتباسی از شخصیت مریم مقدس در بین مسیحیان جلوه دهد. خانم مک‌اولیف^۲ نویسنده مدخل فاطمه علیها السلام در *دایرةالمعارف قرآن* نیز به گونه‌ای دیگر این گرایش را ارائه می‌دهد. وی می‌گوید:

در قرآن آمده است که خداوند مریم را برگزید و پاک گرداند و او را بر زنان عالم برتری داد. همین خصوصیات یعنی پاکیزگی و عصمت و

۱. واله بیری، ص ۸۴۷.

2. Mc Aullif.

نیز برگزیدگی بر زنان عالم، برای فاطمه علیها السلام نیز در منابع اسلامی روایت شده است. این دو زن، هر دو زنان رنج‌دیده تاریخ‌اند که پسران آنها مورد خشونت واقع شده است.¹

خانم اولیف که سر ویراستار *دایره‌المعارف قرآن* است، مدخل فاطمه علیها السلام را به دلیل رابطه‌اش با آیه ۳۳ سوره احزاب (طهارت اهل‌بیت) و آیه ۶۱ سوره آل‌عمران (مباهله) و آیه ۴۲ سوره آل‌عمران (برگزیدگی مریم) نوشته است. مطالب این بخش با این نتیجه که مطالعه برای تکمیل این بخش هم‌چنان باید ادامه داشته باشد، به پایان می‌رسد.

نتیجه

در تحلیل و بررسی این آثار، سخنان لامنس درباره فاطمه علیها السلام به قدری مغرضانه است که حتی بسیاری از خاورشناسان آن را مردود دانسته‌اند. ماسینیون و کربن نیز هر چند تا حدود زیادی توانسته‌اند شخصیت عرفانی و ماورایی فاطمه علیها السلام را تا حد بسیاری تبیین نمایند، بدین لحاظ که سعی کرده‌اند جایگاه آن بانو در بین مسلمانان (به‌ویژه شیعیان) را با منزلت مریم مقدس در مسیحیت مطابقت دهند، قابل انتقاد هستند. در مجموع، نگاه‌برون دینی خاورشناسان، هر چند گاهی اوقات زوایایی را که از منظر درون دینی مغفول مانده، روشن می‌سازد، هرگز قادر نیست عمق و جوانب معانی و مفاهیم دینی را به تمامی درک و ترسیم کند. در مورد مقاله خانم والیری نیز نویسنده سعی کرده با بی‌طرفی تحقیق کند ولی همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمامی روایاتی که به‌گونه‌ای ویژگی و نیرویی غیرمادی و روحانی برای فاطمه علیها السلام قایل شده، از نظر نویسنده این مدخل، افسانه تلقی می‌شود. البته با توجه به ناآشنایی نویسنده با آموزه‌های اسلامی و نیز احتمال جعل و اصالت نداشتن برخی از این احادیث، انتقاد زیادی به نویسنده وارد نیست. واقعیت این است که هنوز در مورد تحلیل سند و متن احادیث شیعه و بررسی احتمال جعلی بودن آنها اثر انتقادی محکمی در دسترس نیست. چه بسا برخی احادیث نزد عالمی برساخته و جعلی تلقی

1. Mc Aullife, *EQ*, vol. 2, p. 192-194.



شود، در حالی که عالم دیگری آن را بپذیرد. در مورد شخصیت تاریخی فاطمه زهرا علیها السلام نیز همان‌گونه که نویسنده عنوان کرده، منابع حدیثی متقدم به بیان روایت‌های مختلف در سال تولد و وفات و نیز چگونگی ازدواج آن بانو بسنده می‌کنند. شگفت آن که جهیزیه آن بانو، قلم به قلم با قیمت‌های آنها شماره می‌شود، لباس فاطمه علیها السلام هنگام مرگ و تابوت وی با جزئیات گزارش می‌شود،^۱ ولی از وقایع زندگی و علم و دانش آن حضرت، برخورد ایشان حضرت با خلیفه اول و دوم و خطبه‌های آن حضرت و چگونگی مرگ آن بانو هیچ مطلبی بیان نمی‌شود. تنها در منابع متأخر، مطالبی درباره جزئیات زندگی آن حضرت می‌توان یافت. با این همه، در همان منابع، افراد مختلف متفق القول هستند که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در شهر مدینه شبانه غسل داده شد و شبانه کفن گشت و شبانه دفن شد.^۲

۱. طبقات، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۱-۲۰.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۰.